

The Impact of Financial Victimization on Family Harm: Causes and Solutons

Ali Ghobadian¹  | Seyed Mir Agha Kazemi²  

1. PhD in Criminal Law and Criminology; Head of the Judiciary Research Institute in Tehran, Tehran, Iran. Email: a.ghobadian@jri.ac.ir
2. Corresponding Author, PhD Candidate in Criminal Law and Criminology, Higher Education Complex of Humanities, AI-Mustafa International University, Qom, Iran. E-mail: miragha_kazemi@miu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received:
15 May 2026
Received in revised form:
17 July 2026
Accepted:
02 August 2026
Published online:
10 August 2026

Keywords:
Financial victimization,
social harms,
harm to the family,
factors of victimization,
social strategies

ABSTRACT

Families face numerous forms of vulnerability, among which financial victimization is the most significant. As the most prevalent form of victimization, financial victimization is influenced by a variety of factors, including individual internal and external causes as well as broader social harms. This study aims to examine the social factors contributing to financial victimization and its impact on the family institution through a library-based analysis of relevant sources. Among the social factors examined, adherence to a capitalist economic system, engagement in high-risk occupations, unemployment, and poverty are identified as the most significant social causes affecting financial victimization. Given the nature of financial offenses and the process through which an offender is led toward criminal action, various strategies have been proposed for preventing financial victimization. In line with the contributing factors identified, social approaches to confronting financial victimization are of greater importance due to their broad scope and widespread benefit. Accordingly, equitable distribution of wealth, institutionalizing a culture of giving to those in need, expanding legitimate economic activities, and prohibiting hoarding have received particular attention from scholars as among the most applicable strategies. The findings of this research indicate that if Islam's social preventive teachings are properly implemented, the rate of financial victimization will decrease significantly, and consequently many families will be protected from the resulting harms.

Cite this article: Ghobadian, A. Kazemi, S. M. A. (2026). The Impact of Financial Victimization on Family Harm: Causes and Solutons. *Comparative Studies of Jurisprudence and Family Law*, 1(1), 120-139.

© Ghobadian, A. Kazemi, S. M. A.

Publisher: University of Sistan and Baluchestan



تأثیر بزه‌دیدگی مالی بر آسیب به خانواده؛ علل و راهکارها

علی قبادیان^۱ | سید میرآغا کاظمی^۲

۱. دانش‌آموخته دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، رئیس پژوهشکده قوه قضائیه تهران، تهران، ایران. ایمیل: a.ghobadian@jri.ac.ir
۲. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. ایمیل: miragha_kazemi@miu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۲۵ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۵/۰۴/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۵/۱۹ واژه‌های کلیدی: بزه‌دیدگی مالی، آسیب‌های اجتماعی، آسیب به خانواده، عوامل بزه‌دیدگی، راهکارهای اجتماعی	آسیب‌های زیادی فراوری خانواده قرار دارد و از مهم‌ترین این آسیب‌ها، بزه‌دیدگی مالی است. بزه‌دیدگی مالی به‌عنوان شایع‌ترین نوع بزه‌دیدگی، متأثر از عوامل گوناگونی همچون علل فردی-درونی، فردی-بیرونی و نیز آسیب‌های اجتماعی است. این نوشتار درصدد تبیین عوامل اجتماعی مؤثر بر بزه‌دیدگی مالی و تأثیر آن بر نهاد خانواده با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای است. از میان عوامل اجتماعی قابل بررسی، تبعیت از نظام سرمایه‌داری، اشتغال در مشاغل پرخطر، بیکاری و فقر به‌عنوان مهم‌ترین مصادیق علل اجتماعی تأثیرگذار بر بزه‌دیدگی مالی بررسی شده‌اند. با توجه به نوع بزه مالی و فرایند انتقال بزه‌کار به عمل مجرمانه، راهکارهای مختلفی برای پیشگیری از بزه‌دیدگی مالی پیشنهاد شده است. هم‌سو با علل تأثیرگذار مطرح‌شده، راهکارهای اجتماعی مواجهه با بزه‌دیدگی مالی به‌دلیل گستره وسیع و سودمندی فراگیر، از اهمیت بیشتری برخوردار است. ازاین‌رو، توزیع عادلانه ثروت، نهادینه کردن فرهنگ بخشش به نیازمندان، گسترش فعالیت‌های اقتصادی مشروع و ممنوعیت احتکار به‌عنوان کاربردی‌ترین راهکارها، مورد عنایت و توجه اندیشمندان قرار گرفته است. برآیند تحقیق این است که اگر آموزه‌های پیشگیرانه اجتماعی اسلام به‌درستی به کار بسته شود، نرخ بزه‌دیدگی مالی به‌صورت قابل‌توجهی کاهش پیدا کرده و مآلاً خانواده‌های زیادی از آسیب‌های پیش‌رو در امان خواهند ماند.

استناد: قبادیان، علی؛ کاظمی، سید میرآغا. (۱۴۰۵). تأثیر بزه‌دیدگی مالی بر آسیب به خانواده؛ علل و راهکارها، مطالعات تطبیقی فقه و حقوق خانواده، (۱)، ۱۲۰-۱۳۹.

۱- مقدمه

امروزه نهاد مقدس خانواده با چالش‌های موجودیتی فراوانی دست به گریبان است؛ چالش‌هایی که به‌نحو فزاینده‌ای روند فروپاشی خانواده را تسریع می‌کنند. در این میان، برخی از چالش‌ها نقش بی‌شتی در آسیب‌پذیری خانواده ایفا می‌کنند که بزه‌دیدگی مالی نمونه بارز آن است. در میان انواع گوناگون بزه‌دیدگی، به‌لحاظ حجم پرونده‌ها، خسارات هنگفت مالی و تأثیر سوء بر خانواده، بزه‌دیدگی مالی در صدر فهرست قرار دارد. «بزه‌دیده مالی» یعنی کسی که در اثر یک عمل مجرمانه، زیان مالی دیده و تمام یا بخشی از سرمایه خود را از دست داده است. از همین رو، پیشگیری از بزه‌دیده شدن، از مباحث مهم و چالشی در جرم‌شناسی محسوب می‌شود. با آنکه پیشگیری از بزه‌دیدگی مالی از دغدغه‌های جرم‌شناسان و بزه‌دیده‌شناسان است، اما در مورد پیشگیری و شناخت علل آن به‌صورت مشخص و آثار وحشتناک آن بر خانواده، با فقر منبع مواجه هستیم. از آنجا که خود بزه‌دیده‌شناسی به‌عنوان رشته‌ای جدید به‌تازگی قدم به خانواده علوم جرم‌شناسی گذاشته است، به‌تبع آن، حداقل در منابع فارسی، به تبیین آسیب‌های اجتماعی مؤثر در بزه‌دیدگی مالی و نقش آن بر آسیب به خانواده کمتر پرداخته شده است. در این پژوهش، به تبیین عوامل اجتماعی مؤثر بر بزه‌دیدگی مالی و نحوه تأثیر آن‌ها بر آسیب به خانواده و همچنین راهکارهای پیشگیری از آن، با تبیین داده‌های گردآوری‌شده به روش کتابخانه‌ای پرداخته شده است. پیش از پرداختن به عوامل اجتماعی بزه‌دیدگی، به تبیین مفاهیمی همچون بزه‌دیده، مال، بزه‌دیدگی مالی و آسیب‌های اجتماعی پرداخته شده است. سپس به نظام سرمایه‌داری به‌عنوان الگوی رایج اقتصادی در اکثر کشورهای جهان پرداخته شده و چگونگی تأثیر آن در بزه‌دیدگی مالی از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه، قوانین نامناسب یا جرم‌زا، بخش دیگری از تحقیق را تشکیل می‌دهد. شغل و آسیب‌زایی آن، بیکاری و فقر از دیگر آسیب‌های اجتماعی هستند که چگونگی تأثیر آن‌ها بر بزه‌دیدگی مالی و اثر منفی آن‌ها بر نهاد خانواده نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش بعدی، به راهکارهای پیشگیری از آن، شامل توزیع عادلانه ثروت و حمایت‌های حکومت در بستن مجراهایی که افراد و خانواده‌ها را به سمت بزه‌دیدگی مالی سوق می‌دهند، پرداخته شده است.

۲- مفاهیم و کلیات

تبیین دقیق مفاهیم اساسی پیش از ورود به تحلیل‌های جرم‌شناختی و فقهی، زمینه‌ساز درک مشترک از متغیرهای پژوهش است. ازاین‌رو، در این بخش به واکاوی تعاریف لغوی و اصطلاحی واژگان کلیدی پرداخته می‌شود.

۲-۱- بزه‌دیده

واژه بزه‌دیده معادل اصطلاح انگلیسی (Victim) است که خود از واژه لاتین (Victima) به معنای قربانی ریشه می‌گیرد (برجس و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۳۲). در زبان فارسی، این واژه غالباً به معنای «قربانی» به کار می‌رود و در فقه و ادبیات حقوقی عربی، معادل اصطلاح «مجنی علیه» قرار دارد (دهخدا، ۱۳۵۲، جلد ۱۱، ص. ۲۳۳۵). قربانی در ریشه‌یابی واژگانی، به هر شخص یا امری اطلاق می‌شود که در راه رضای پروردگار یا هدفی والا تر ذبح و فدا می‌گردد؛ اما در قلمرو علوم جنایی و جرم‌شناسی، هرگاه آسیب، زیان، درد یا رنج وارده به یک فرد ناشی از رفتار مجرمانه انسان دیگری باشد، به آن فرد زیان‌دیده «قربانی جرم» یا «بزه‌دیده» می‌گویند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰، ص. ۱۷).

در تعریف اصطلاحی، بزه‌دیده به شخص حقیقی یا حقوقی گفته می‌شود که در پی وقوع یک رفتار مجرمانه (اعم از فعل یا ترک فعل)، متحمل ضرر و زیان مادی، معنوی یا جسمی شده و یا به یکی از حقوق اساسی و قانونی او آسیب وارد آمده است. دامنه این مفهوم چنان گسترده است که حتی خطرات بالقوه‌ای را که امنیت اشخاص را به مخاطره می‌اندازند — نظیر شروع به جرم کلاهبرداری، شروع به سرقت یا تهدید به زورگیری مال — در بر می‌گیرد؛ چرا که در این موارد نیز حریم امنیت روانی و مالی شخص مخدوش گردیده است.

۲-۲- مال

واژه «مال» در لغت از ریشه عربی «میل» به معنای خواستن و گرایش داشتن گرفته شده است؛ دلیل این نام‌گذاری را متمایل شدن دل‌های مردم به سمت دارایی و دست‌به‌دست گشتن مستمر آن میان افراد دانسته‌اند (طاهری، ۱۳۹۱، جلد ۱، ص. ۳۷). در فرهنگ‌های لغت فارسی، مال به مجموعه چیزهایی اطلاق می‌شود که قابلیت تملک خصوصی داشته باشند (انوری، ۱۳۸۱، جلد ۴، ص. ۶۵۳۸؛ عمید، ۱۳۷۷، مدخل «مال») و از ارزش مبادله و معاوضه برخوردار باشند (دهخدا، ۱۳۵۲، مدخل «مال»). بنابراین، هر پدیده ارزشمندی که قابلیت تصرف و تملک قانونی داشته باشد، در قلمرو مفهوم مال قرار می‌گیرد. در اصطلاح حقوقی و اقتصادی، مال به چیزی گفته می‌شود که دارای ارزش دادوستد باشد؛ به گونه‌ای که در بازار آزاد بتوان در برابر آن پول یا کالا پرداخت کرد و ارزش مبادله‌ای آن توسط عرف پذیرفته شده باشد (امامی، ۱۳۷۷، جلد ۱، ص. ۲۷).

۲-۳- بزه‌دیدگی مالی

با تلفیق دو مفهوم پیشین (بزه‌دیده و مال)، تعریف کاربردی «بزه‌دیدگی مالی» حاصل می‌شود. بزه‌دیده مالی به شخصی اطلاق می‌گردد که در اثر وقوع یک رفتار مجرمانه، دچار خسارت مادی شده و تمام یا بخشی از دارایی، اموال و سرمایه خود را از دست داده است. بنابراین، بزه‌دیدگی مالی معادل فرایند «زیانمند شدن و مال‌باختگی» بر اثر جرم است.

گرچه از منظر جامعه‌شناختی ممکن است فرد سرمایه خود را به دلایل غیرجرمی (مانند نوسانات بازار یا بلایای طبیعی) از دست بدهد و عنوان مال‌باخته بر او صدق کند، اما در این نوشتار، مراد از بزه‌دیده مالی صرفاً متوجه آن دسته از آسیب‌ها و زیان‌های مادی است که به‌طور مستقیم از مجرای رفتارهای مجرمانه به اشخاص و به‌ویژه به کانون خانواده وارد می‌شود. تمرکز بر این قلمرو محدودتر، تحلیل دقیق علل جرم‌شناختی و ارزیابی سیاست‌های حمایتی را تسهیل می‌کند.

۲-۴- آسیب

واژه آسیب در لغت‌نامه‌های فارسی به معنای ضربه، صدمه، عیب، نقص یا جراحتی است که بر اثر عاملی بیرونی بر جسم یا روان وارد می‌شود (انوری، ۱۳۸۱، جلد ۱، ص. ۱۰۸). در زبان انگلیسی، ریشه واژگانی آسیب با پیشوندهایی نظیر (Path) یا (Patho) پیوند دارد که مفاهیمی چون احساس دردمندانه، رنج، محنت و تحمل سختی را تداعی می‌کنند (سهراب‌زاده، ۱۳۸۹، ص. ۱۴). ازاین‌رو، مفهوم آسیب در هر دو زبان بر تجربه درد، صدمه و نقصان دلالت دارد.

از آنجا که خانواده به عنوان نخستین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، هسته اولیه زندگی جمعی را شکل می‌دهد (ضمیری، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۴)، آسیب‌های وارده بر آن مستقیماً با آسیب‌های اجتماعی کل جامعه هم‌راستا است. بر این اساس، آسیب اجتماعی عبارت است از: «رخدادها، پدیده‌ها و رفتارهایی که در یک جامعه مشخص و در یک بازه زمانی معین، برخلاف ارزش‌ها، هنجارها و نظم پذیرفته‌شده اجتماعی جریان دارند و با واکنش و ارزش‌گذاری منفی جامعه روبه‌رو می‌شوند» (دلارام و روشنفکر، ۱۳۹۱، ص. ۱۸۴). با ابتنا بر این تعریف، هرگونه کنش، ساختار یا جریانی که به تزلزل ارکان نهاد خانواده منجر شده و درد، رنج و عقب‌ماندگی مادی یا معنوی اعضای آن را در پی داشته باشد، به عنوان یک آسیب جدی تلقی می‌شود که بستر را برای بزه‌دیدگی مالی اعضای خانواده هموار می‌سازد.

۳- علل تأثیرگذار بر بزه‌دیدگی مالی بر آسیب به خانواده

بزه‌دیدگی مالی به عنوان یک آسیب و ضد هنجار که تأثیر شگرف بر سلامت خانواده دارد، معلول عوامل متعدد است؛ به طوری که گاه عوامل فردی در وقوع آن مؤثر است، گاهی شرایط و اوضاع و احوال، بزه‌دیدگی مالی را سرعت می‌بخشد و گاهی نیز علل بزه‌دیدگی مالی اعضای مؤثر خانواده (مانند سرپرست خانوار) در دل اجتماع نهفته است که در اینجا به دسته اخیر پرداخته می‌شود:

۳-۱- پذیرش فرهنگ سرمایه‌داری

در جامعه آمریکا که رهبری ایدئولوژی سرمایه‌داری را در دست دارد، این الگو لطمه بزرگی بر پیکره اقتصاد خانواده‌ها وارد کرده است. به عنوان مثال، با تضعیف بهداشت و عدالت اجتماعی، فقر خانوادگی را گسترش داده و بر فاصله طبقاتی میان خانوارها افزوده است. در دهه نخست قرن بیست و یکم نیز این روند ادامه پیدا کرده و درآمد متوسط خانوار آمریکایی را حدود ۱۰ درصد کاهش داد؛ امری که با به چالش کشیدن عدالت اجتماعی، آستانه آسیب‌پذیری و ریسک بزه‌دیدگی مالی سرپرستان خانواده را به شدت بالا برد (سمیعی، ۱۳۹۱، ص. ۳۶).

اگرچه سرمایه‌داران غربی از جهانی‌شدن نهایت استفاده را بردند، اما طبقه کم‌درآمد و متوسط که ۹۹ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند، متحمل ضررهای ساختاری شدند (سمیعی، ۱۳۹۱، ص. ۳۶). سرریز این تجربه در کشورهای جهان سوم، با تحمیل مصرف‌گرایی افراطی و ایجاد نیازهای کاذب، سرپرستان معیشتی خانواده را به سمت رفتارهای ریسک‌آلود اقتصادی و معاملاتی هدایت کرده است. پیامد مستقیم این پدیده، افزایش نرخ بزه‌دیدگی مالی اعضای خانواده، سقوط ناگهانی طبقه اقتصادی خانوار، تزلزل در کارکردهای حمایتی آن و در نهایت بروز بحران‌های عاطفی و طلاق است. ۱-۲. گونه‌های تأثیرگذاری نظام سرمایه‌داری در بزه‌دیدگی مالی و آسیب به خانواده.

۳-۱-۱- شیوع فقر

فقر و کارتن‌خوابی که امروز به یکی از معضلات بزرگ در جوامع غربی تبدیل شده، معلول ساختاری به نام «فرهنگ پذیرش نابرابری» در نظام سرمایه‌داری است (جهانیان، ۱۳۸۳، ص. ۷۷). در این نظام که هدف غایی آن حداکثر کردن بازده مادی است، هر عاملی که مانع این قانون بیشترین بازدهی شود (مانند سالمندان، بیماران و افراد کم‌توان) از چرخه حمایت حذف می‌شود؛ ساختاری که طبقات پایین را همواره در تله فقر نگه می‌دارد (جهانیان، ۱۳۸۳، ص. ۸۱-۸۲).

این وضعیت بحرانی منحصر به غرب نیست؛ برای نمونه در هند نیز به‌رغم رشد اقتصادی سرسام‌آور، به‌دلیل توزیع نامتوازن ثروت، میزان فقرزدایی کاهش یافته است (جهانبان، ۱۳۸۳، ص. ۴۱). از منظر بزه‌دیده‌شناختی، فقر مفرط آستانه آسیب‌پذیری و ریسک بزه‌دیدگی مالی سرپرستان خانواده را به شدت بالا می‌برد. سرپرست یک خانواده فقیر به‌دلیل استیصال معیشتی، به‌راحتی جذب شیوه‌های کسب درآمد کاذب و رفتارهای پرخطر مالی می‌شود و در تله کلاهبرداران اقتصادی گرفتار می‌گردد. پیامد مستقیم این بزه‌دیدگی مالی، ناتوانی در تأمین نیازهای اساسی اعضا، فروپاشی کارکردهای حمایتی خانواده و در نهایت پدیده تلخ بی‌خانمانی و کارتن‌خوابی است که نماد عینی از دست رفتن کامل نهاد خانواده است.

۳-۱-۲- فروکش کردن عوامل فقرزدا

فرهنگ سرمایه‌داری با ترویج نگرش‌های فردگرایانه، انگیزه و ساختارهای حاکمیتی رفع فقر را تضعیف می‌کند (رابرتسون، ۱۳۹۱، ص. ۲۳۹). نمونه عینی این رویکرد را می‌توان در دیدگاه احزاب راست‌گرا (مانند حزب جمهوری‌خواه آمریکا) یافت که ترس از گرسنگی را ابزاری برای وادار کردن دهک‌های پایین به کار طاقت‌فرسا و تمکین اقتصادی می‌دانند (لستر، ۱۳۹۷، ص. ۳۱۳).

کاهش یا حذف نهادهای حمایتی و عوامل فقرزدا در این جوامع، مستقیماً امنیت اقتصادی خانواده‌ها را هدف قرار می‌دهد. در چنین ساختاری، چنانچه سرپرست یا یکی از اعضای مؤثر خانواده دچار یک بزه‌دیدگی مالی (مانند کلاهبرداری یا فریب اقتصادی) شود، به‌دلیل مسدود بودن بسترهای حمایتی و نبود چترهای نجات رفاهی، شوک مالی وارده بدون واسطه به عمق کانون خانواده نفوذ می‌کند. این وضعیت موجب تسریع روند سقوط معیشتی خانوار، ناتوانی در مدیریت بحران و در نهایت گسست عاطفی و فیزیکی اعضای خانواده می‌شود.

۳-۱-۳- فناوری رباتیک تهدید نیروی کار خانواده

پیشرفت‌های روزافزون در حوزه فناوری و علم رباتیک در صنایع مختلف از خودروسازی و جراحی‌های پزشکی گرفته تا مشاغل خدماتی مانند پذیرش، تدریس، حمل‌ونقل و مراقبت‌های بهداشتی، نقش انسان را روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر می‌سازد (ورادی، ۲۰۱۹). این پدیده فارغ از جنبه‌های مثبت فناوری، ضربه سهمگینی بر پیکره نیروی کار انسانی وارد می‌کند.

از آنجا که فناوری‌های نوین در خدمت نظام سرمایه‌داری برای کاهش حداکثری هزینه‌های تولید قرار دارند، پیامد نخست آن حذف مشاغل طبقه متوسط و ضعیف است. از دست رفتن امنیت شغلی سرپرستان خانوار در این فرایند، آن‌ها را در معرض وضعیت بحرانی بیکاری قرار می‌دهد. این بحران شغلی، منبع درآمد پایدار خانواده را نابود ساخته و سرپرست خانواده را برای بقای معیشتی، به سمت بازارهای غیررسمی، تصمیمات سرمایه‌گذاری پرریسک و معاملات ناامن سوق می‌دهد که خروجی گریزناپذیر آن، بالا رفتن شانس بزه‌دیدگی مالی خانواده و خالی شدن سفره معیشتی آنان است.

۳-۱-۴- فاصله طبقاتی

نابرابری شدید در توزیع ثروت، یکی از پیامدهای ساختاری نظام سرمایه‌داری است که مستقیماً ریسک بزه‌دیدگی مالی خانواده‌ها را تقویت می‌کند؛ آمارهای جهانی نشان می‌دهند که ضریب جینی در بازه زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۵ بین ۰٫۶۱ و ۰٫۶۸ بوده و ۱۰ درصد از طبقه مرفه، حدود ۸۵ درصد از ثروت جهانی خانوارها را به خود اختصاص داده‌اند (لطفیان، ۱۳۸۳، ص. ۲۱). این نابرابری شدید حتی طبق فر ضیه منحنی کوزنتس در مراحل توسعه‌یافتگی نیز به صورت پایدار تعدیل نشده است (لطفیان، ۱۳۸۳، ص. ۲۲).

شکاف طبقاتی عمیق، در خانواده‌های کم‌درآمد احساس «محرومیت نسبی» و استرس روانی شدیدی ایجاد می‌کند. سرپرستان خانواده تحت این فشار روانی و برای کاهش فاصله خود با طبقات بالا، به رفتارهای مالی شتاب‌زده، وام‌های سنگین و مشارکت در طرح‌های کلاهبرداری اقتصادی روی می‌آورند که زمینه‌ساز بزه‌دیدگی مالی کلان آن‌ها می‌شود. ور شکستگی مالی ناشی از این بزه‌دیدگی، مسکن و امنیت اقتصادی خانواده را نابود کرده و کارتن‌خوابی و آوارگی خیابانی اعضا را رقم می‌زند؛ وضعیتی که نشان‌دهنده متلاشی شدن کامل پیوندهای خانوادگی است.

۳-۱-۵- سرمایه‌داری حاصل از فاینانس

نظام فاینانس یا تدارک مالی با هدف کسب سودهای کلان از طریق بدهکار کردن توده‌ها، به یکی از ابزارهای اصلی سرمایه‌داری نوین تبدیل شده است (توانیان، ۱۳۸۵، ص. ۴۱۳). نهادهای مالی با ارائه وام‌های بلندمدت مسکن و خرید کالا به طبقه متوسط و ضعیف، عملاً آن‌ها را در چرخه‌ای از بدهی‌های مستمر و بهره‌های بالا گرفتار می‌کنند؛ فرایندی که موازی با تضعیف سندیکاهای کارگری و کاهش دستمزدها، سود اضافی سرمایه‌داران را انباشته می‌سازد (مسرت، ۱۳۹۶).

بحران مالی سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ آمریکا نمونه بارز این مدل سرمایه‌داری مالی بود که با تحمیل ور شکستگی، بیکاری و ناتوانی در پرداخت اقساط وام مسکن، صدها هزار خانواده را بی‌خانمان و آواره خیابان‌ها کرد (شیرخانی و پیروز، ۱۳۹۱، ص. ۶۴). در این سیستم، خانواده‌ها به‌طور ساختاری مورد «بزه‌دیدگی مالی» قرار می‌گیرند؛ بدین معنا که تحت فریب قراردادهای مالی پیچیده، کل دارایی و سرپناه خود را از دست می‌دهند. بحران‌های روانی ناشی از این سلب مالکیت، بلافاصله کانون خانواده را به سمت اختلافات شدید زوجین، طلاق، خشونت‌های خانگی و نهایتاً از هم‌پاشیدگی فیزیکی خانه سوق می‌دهد.

۳-۲- قوانین مشکل‌زا

نظریه انتخاب عقلانی بیانگر این است که بزهکار در گذار از اندیشه مجرمانه به فعل مجرمانه دست به محاسبه عقلانی می‌زند (بیات، ۱۳۹۱، ص. ۲۱). در این محاسبه و ارزش‌گذاری عوامل زیادی نقش دارند، اما مهم‌ترین آن‌ها در اکثر موارد، هزینه کیفری جرم است. به عبارت دیگر اراده مجرم بر اینکه از اندیشه به عمل منتقل شود یا خیر، بستگی به هزینه‌ها و فایده جرم دارد. اگر نفع حاصله از عمل مجرمانه بر اساس ارزش‌گذاری مجرم، بهای بیشتری داشته باشد، در این وضعیت شخص از خود واکنش نشان می‌دهد. به بیان دیگر، گذار از اندیشه مجرمانه به عمل زمانی اتفاق

می‌افتد که گرایش به ارتکاب جرم از مقاومتی که در برابر این گرایش ایجاد می‌شود بیشتر باشد (کی‌نیا، ۱۳۷۳، ص. ۴؛ میرخلیلی، ۱۳۸۸، ص. ۴۳).

از سوی دیگر، از نکات کلیدی پیشگیری این است که با تغییر شرایط و اوضاع و احوال، بر این مقاومت بیفزاید تا مانع انتقال مجرم از اندیشه مجرمانه به عمل شود. با این حال در مواردی، تصویب نامناسب قوانین باعث بزهکاری و بزه‌دیدگی مالی افراد می‌شود. مثلاً ماده ۱۱۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ مجازات بسیار خفیف و نامتناسب را برای کلاهبرداری مقرر کرده بود و همزمان ماده ۲۱۸ قانون مدنی که مقرر می‌داشت «معامله به‌منظور فرار از پرداخت دین باطل است» نیز لغو شده بود. به این ترتیب کلاهبرداران می‌دانستند که در صورت دستگیری نه‌تنها با مجازات خفیفی مواجه هستند، بلکه اگر اموال و وجوه حاصل از جرم را به بستگان خود انتقال دهند، قابل توقیف نبوده و در نتیجه سود حاصل از ارتکاب جرم در مقام مقایسه با هزینه احتمالی آن بسیار زیادتر خواهد بود؛ امری که خود محرک و انگیزه خوبی برای ارتکاب جرم بود (داودی، ۱۳۹۸). با از دست رفتن سرمایه و داشته‌های افراد در چنین شرایطی، خانواده‌های آنان نیز دچار آسیب‌های بعضاً غیرقابل جبرانی می‌شوند.

یکی از چالش‌های قانونی موجود، فقدان سیاست کیفری مشخص در مورد برخی افراد است که به‌دلیل آسیب‌پذیری بالا، بیشتر در معرض بزه‌دیدگی مالی قرار می‌گیرند. بارزترین مثال در این زمینه، نبود سیاست جنایی افتراقی در مورد «سالمندآوری» است. سالمندان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر در برابر پدیده بزهکاری، به‌ویژه از نوع مالی هستند. تحلیل رفتن قوای جسمی و کاهش قدرت ذهنی از بارزترین نمادهای این آسیب‌پذیری است؛ لذا بدرفتاری با سالمندان یا همان سالمندآوری به‌عنوان یکی از تازه‌ترین گونه‌های خشونت خانگی از دیدگاه عموم (میرخلیلی، ۱۳۸۸، ص. ۴۴۷)، موضوعی است که جای خالی آن در سیاست جنایی کشورهایی مثل ایران همچنان احساس می‌شود. سالمندان به‌دلیل پساندازهایی که برای ایام بازنشستگی و ناتوانی خود ذخیره کرده‌اند، هدفی جذاب و در عین حال راحت برای بزهکاران به شمار می‌روند. در جوامعی مانند کشورهای کمتر توسعه‌یافته که اکثر سالمندان از نعمت سواد محروم هستند، نقش سیاست جنایی افتراقی اهمیت مضاعفی می‌یابد.

در قانون مجازات اسلامی و در ماده ۶۳۳، سخن از رها کردن اشخاصی است که قادر به محافظت از خود نمی‌باشند. هرچند می‌توان این ناتوانی در محافظت را اعم از ناتوانی جسمی و ذهنی دانست، اما بهتر بود قانون‌گذار همان‌گونه که در این ماده صراحتاً به واژه «طفل» اشاره کرده، به «سالمندان» نیز تصریح می‌داشت. قانون‌گذار نه‌تنها باید رها کردن آن‌ها را جرم‌انگاری می‌کرد، بلکه به روانه ساختن اجباری آنان به سرای سالمندان نیز با دید سوءظن می‌نگریست؛ چرا که در اغلب موارد، این انتقال‌های اجباری به دنبال فروش اجباری اموال سالمند و سوءاستفاده‌های مالی از آن‌ها صورت می‌گیرد. در برخی موارد نیز فرد سالمند ظرف چند ماه به‌کلی فراموش شده و از حقوق قانونی خود نظیر دریافت نفقه در صورت ناتوانی مالی یا حق ملاقات با فرزندان و نوادگان محروم می‌گردد (بیات، ۱۳۹۱، ص. ۸۱). بنابراین، جای خالی سیاست جنایی افتراقی برای بزه‌دیدگان خاصی مانند کهنسالان — به‌ویژه در حوزه بزه‌های مالی — همچنان در سیاست کیفری کشور مشهود است.

۳-۳- اشتغال به شغل های خاص

از نظر جرم‌شناسی، شرایط محیط کار گاهی منجر به ارتکاب جرایم خاص یا تشدید حالت حساسیت تهاجمی و پر خا شگری می شود. برای مثال، خدمتکاران کافه‌ها، رستوران‌ها و اکثر اماکن عمومی که به‌نوعی با عموم افراد جامعه سروکار دارند و به‌سهولت با بزهکاران آشنایی پیدا می‌کنند، به‌راحتی در معرض ارتکاب جرم یا آسیب‌های ناشی از آن قرار می‌گیرند (دانش، ۱۳۸۴، ص. ۳۰۰).

تأثیر شغل بر بزه‌دیدگی مالی، با «نظریه سبک زندگی» قابل توجیه است. بر اساس این نظریه، الگوهای عملکرد یا شیوه زندگی اشخاص بر احتمال بزه‌دیدگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد و خطر بزه‌دیدگی زمانی افزایش می‌یابد که شرایط زندگی پرمخاطره باشد (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۲۷۷). شاغلینی چون رانندگان حمل‌ونقل عمومی سبک، مأموران پلیس و نیروهای امدادی به‌دلیل نوع فعالیت خود، در مواجهه با بزه‌دیدگی نسبت به سایرین آسیب‌پذیرتر هستند. به‌طور کلی می‌توان گفت افراد به هر میزانی که با بزهکاران مراوده داشته باشند، به محیط‌های مجرمانه و خطرناک بروند، یا در زمان‌ها و مکان‌های پرخطر به فعالیت بپردازند، احتمال بزه‌دیدگی خود را افزایش می‌دهند. بدیهی است که میزان تماس اشخاص و موقعیت‌های مکانی و زمانی آنان متأثر از نقش، موقعیت اجتماعی، انتخاب‌ها و در یک کلام «سبک زندگی» آن‌هاست؛ بنابراین با تغییر سبک زندگی می‌توان مناسبات میان بزهکاران و بزه‌دیدگان بالقوه را تغییر داد و احتمال بزه‌دیدگی آنان را تعدیل کرد (کسن، ۱۳۸۵، ص. ۱۱۰).

بر اساس پیمایش ملی جرم در بریتانیا (BCS) در سال ۱۹۸۸، افراد شاغل حقوق‌بگیر سه برابر بیشتر از غیرشاغلین (نظیر زنان خانه‌دار، بیماران و بازنشستگان) در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند (دباغی، ۱۳۹۴، ص. ۷۱). نتایج این تحقیق همچنین ثابت کرد که یک‌چهارم از افرادی که مورد سرقت قرار گرفته بودند، نوع شغل خود را عامل اصلی این اتفاق می‌دانستند. برخی از کارکنان مانند کارکنان اداره پست، کارمندان بانک‌های خصوصی و کارکنان خدمات بهداشتی در معرض بزه‌دیدگی‌های خاصی هستند. با دقت در این گزاره‌ها مشخص می‌شود هر قدر افراد دارایی و ثروت بیشتری در اختیار داشته باشند، جاذبه بیشتری برای بزهکاران ایجاد می‌کنند.

به این واقعیت در منابع دینی نیز به‌طور دقیق اشاره شده است؛ چنان‌که امام علی (ع) در توصیه ارزشمند خود به کمیل بن زیاد می‌فرماید:

«ای کمیل! دانش بهتر از دارایی است؛ زیرا دانش از تو نگهداری می‌کند، اما از دارایی، تو باید نگهداری کنی» (نهج‌البلاغه، بی‌تا، حکمت ۱۴۷). در جوامعی که از امنیت پایدار برخوردار نیستند، بزهکاران احتمال شناسایی خود توسط پلیس را کم می‌دانند، یا با سیاست جنایی غیرکارآمد مواجه هستند، این واقعیت ملموس‌تر است؛ برای نمونه در کشورهای در حال توسعه، شاغلین صرافی‌ها و طلافروشی‌ها به‌شدت در معرض بزه‌دیدگی مالی قرار دارند.

۳-۴- فقدان شغل مناسب

فقدان شغل مناسب ارتباط مستقیمی با وقوع جرم دارد؛ به‌طوری که با افزایش بیکاری در بین جوانان بالای ۳۰ سال، نرخ جرم در جامعه افزایش می‌یابد (ابراهیمی و چاکرزی، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۶) و این امر تأثیر مستقیمی بر ارکان خانواده و اعضای آن بر جای می‌گذارد. مطالعات رافائل و ویتربرم با استفاده از داده‌های تلفیقی برای ۵۰ ایالت آمریکا طی دوره ۱۹۷۱ تا ۱۹۹۷ میلادی نشان داد که نبود شغل رابطه مثبتی با جرایم علیه اموال دارد؛ به گونه‌ای که یک درصد

کاهش در نرخ بیکاری، موجب کاهش ۱ تا ۵ درصدی این دسته از جرایم می‌شود (ابراهیمی و چاکرزه‌ی، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۷).

همچنین در پژوهش دیگری که در یک دوره سه ساله (۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷) تأثیر سه مؤلفه فقر، بیکاری و شهرنشینی را بر جرم و جنایت در ایران ارزیابی کرد، مشخص شد که متغیر بیکاری بیشترین تأثیر ملاحظه شدنی را بر متغیر جرایم علیه اموال و مالکیت دارد (فطرس و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۲۷۹).

۳-۴-۱- فقر

یکی از پیامدهای نامیمون نبود شغل، بروز فقر است. فقر به مثابه یک پدیده نامطلوب اقتصادی-اجتماعی، از مهم‌ترین پیامدهای توزیع ناعادلانه و نابرابر درآمدها در جامعه به شمار می‌رود (محمدزاده و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۴۲) که به عنوان یک معضل بنیادین، منشأ انحرافات اجتماعی گوناگونی است (حسن‌زاده، ۱۳۷۹، ص. ۱۳۶). فقر می‌تواند معلول عواملی چون سوءتدبیر در امور معیشتی، بیکاری، بی‌عدالتی اجتماعی و اقتصادی، سوءمدیریت حاکمیتی، حوادث طبیعی، بیماری‌های جسمی و روحی و غفلت از یاد و استمداد الهی باشد (سبحانی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۸).

در برخی جوامع، گروه‌های ذی‌نفوذ سبب انحراف برنامه‌های اقتصادی-اجتماعی دولت‌ها به سمت فربه‌سازی برخی طبقات و فقیرتر کردن طبقات دیگر می‌شوند، همان‌طور که نابرابری در تمرکز اقتصادی، نابرابری درآمدی و فقر منطقه‌ای را در پی خواهد داشت (حمیدیان، ۱۳۹۶، ص. ۱۹۲-۱۹۳). نقش و تأثیرگذاری فقر بر بزه‌دیدگی را می‌توان از دو جهت بررسی کرد: مستقیم و غیرمستقیم.

۳-۴-۲- نقش مستقیم فقر در بزه‌دیدگی مالی خانواده

منظور از تأثیر مستقیم این است که برخلاف جذابیت همیشگی افراد ثروتمند برای بزهکاران مالی، خود فقر در مواردی عاملی برای بزه‌دیدگی افراد و خانواده‌های تهیدست می‌شود. فقر هرچند طی پنجاه سال اخیر در مقایسه با پنج قرن گذشته روندی کاهشی داشته (حسن‌زاده، ۱۳۷۹، ص. ۱۳۶)، اما همچنان در اکثر جوامع در حال جولان است.

هرچه افراد توانایی کمتری برای محافظت و کنترل شرایط خود داشته باشند، بیشتر قربانی جرایم مالی می‌شوند؛ چرا که محافظت ضعیف از آماج‌ها بر جذابیت آن‌ها نزد بزهکاران می‌افزاید و بزه‌دیدگی مالی آنان را تسریع کرده و کانون خانواده را آسیب‌پذیر می‌سازد. در مقابل، تمکن مالی و سطح تحصیلات از فاکتورهای کلیدی در کاهش میزان بزه‌دیدگی و ترس از جرم هستند، زیرا افراد متمول و تحصیل‌کرده راه‌های کارآمدتری را برای محافظت از خود، خانواده و اموالشان برمی‌گزینند (صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۹۰، ص. ۴۰). از این رو، اقدامات محافظتی که از اصول پیشگیری وضعی در بزه‌دیدگی مالی است، به دلیل هزینه‌های بالا، در میان طبقات کم‌برخوردار کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳-۴-۳- نقش غیرمستقیم فقر بر بزه‌دیدگی مالی خانواده

همان‌طور که بسیاری از پژوهشگران فقر را زیربنای انحرافات اجتماعی دانسته‌اند (اژه‌ای، ۱۳۹۳، ص. ۱۴۱)، این پدیده به‌طور غیرمستقیم و از طریق افزایش ارتکاب جرایم مالی در جامعه، منجر به بزه‌دیدگی مالی اعضای خانواده می‌شود. در نظریه اقتصاد جرم فرض بر این است که افراد زمانی وارد فعالیت‌های مجرمانه می‌شوند که هزینه‌های ورود در

مقایسه با منافع حاصله ناچیز باشد؛ بنابراین با افزایش فقر، انگیزه و شانس ورود به جرایم علیه اموال افزایش می‌یابد (فطرس و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۲۸۵). از نظر جرم‌شناسان، دگرگونی‌های اقتصادی مستقیماً نوع و ساختار جرایم را تغییر می‌دهند (ملک‌محمدی، ۱۳۹۱، ص. ۵۴). افرادی که از ابزارها و امکانات مشروع بی‌بهره یا کم‌بهره هستند، ناگزیر به سمت مسیرهای جایگزین و غیرقانونی سوق داده می‌شوند که خروجی مستقیم آن، افزایش نرخ بزهکاری و بزه‌دیدگی مالی است.

به همین دلیل، فقر در آموزه‌های اسلامی به شدت مورد نکوهش قرار گرفته و برای ریشه‌کنی آن راهکارهای متعددی ارائه شده است. در بیانی از امام علی (ع) خطاب به فرزندان امام حسن (ع) آمده است:

«کسی را که به دنبال کسب روزی خویش است ملامت مکن؛ زیرا کسی که قوت و روزی خود را از دست بدهد، لغزش‌هایش فزونی می‌یابد» (شعیری، ۱۳۶۳، ص. ۱۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۶۹/۴۷). یکی از بارزترین این لغزش‌ها، گرفتار شدن در دام جرایم علیه اموال است. در احادیث ائمه معصومین (علیهم‌السلام) به تعبیر هشداردهنده‌ای درباره فقر برمی‌خوریم؛ تعبیری همچون: «مایه روسیاهی در دنیا و آخرت» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص. ۳۰)، «مرگ بزرگ» (نهج‌البلاغه، بی‌تا، حکمت ۱۶۳)، «بدتر از مردن و دفن شدن» (کلینی، ۱۳۸۸، ص. ۲۱)، «تلخ‌تر از همه تلخی‌ها» (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ص. ۶۶۹) و «سخت‌تر از آتش نمرود» (شعیری، ۱۳۶۳، ص. ۱۰۹).

نقطه اشتراک تمامی این تعبیر، خطر ویرانگر فقر برای فرد و جامعه است. در حدیث نبوی مشهور نیز فقر آستانه کفر معرفی شده است (کلینی، ۱۳۸۸، جلد ۲، ص. ۳۰۷). علت این هشدارهای پیاپی آن است که فقر زمینه انواع انحرافات عقیدتی، اخلاقی و رفتاری را به‌ویژه در افراد کم‌ظرفیت مهیا می‌سازد. برای پیشگیری و کاهش این آسیب‌ها، در شریعت اسلام راهکارهای مالی ساختارمندی نظیر صدقات، زکات و خمس پیش‌بینی شده است که در ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرند. ۳. راهکارهای کاهش بزه‌دیدگی مالی خانواده

بررسی ریشه‌های جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که بزه‌دیدگی مالی سرپرستان، بدون واسطه امنیت اقتصادی و روانی کل نهاد خانواده را با بحران مواجه می‌سازد. از این‌رو، تدوین و اجرای راهکارهای نظام‌مند جهت کاهش این بسترها، نقشی حیاتی در پیشگیری از فروپاشی خانواده‌ها دارد. این راهکارها در سه سطح کلان «توزیع عادلانه ساختاری»، «حمایت‌های حاکمیتی و مردمی» و «نهادینه‌سازی الگوهای اخلاقی-اقتصادی» قابل ردیابی و پیاده‌سازی هستند که در ادامه به تفصیل مورد واکاوی قرار می‌گیرند.

۴-۱- توزیع عادلانه ثروت در جامعه و کاهش بزه‌دیدگی مالی

از آنجا که بزه‌دیدگی مالی مستقیماً آستانه آسیب‌پذیری معیشتی خانواده را تشدید می‌کند، طراحی راهکارهای برون‌رفت از این معضل نقشی زیربنایی در پیشگیری از جرم دارد. در نظام سرمایه‌داری، توزیع ثروت بر مبنای آزادی مطلق بازار شکل می‌گیرد که پیامد ساختاری آن تمرکز سرمایه در دست اقلیت است. در مقابل، سوسیالیسم خاستگاه همه ارزش‌های افزوده را صرفاً عنصر کار فیزیکی می‌داند.

اما نظام اقتصادی اسلام با در نظر داشتن مجموعه‌ای از راهکارهای متوازن، هم مصلحت‌ها و انگیزه‌های فردی را محترم شمرده و هم منافع جامعه را تضمین کرده است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ص. ۲۶۶). شیوه توزیع ثروت در سرمایه‌داری با دامن زدن به فقر و شکاف طبقاتی، خانواده‌ها را در تله رفتارهای مالی پرخطر و نهایتاً

بزه‌دیدگی قرار می‌دهد؛ بنابراین به‌عنوان یک اقدام پیشگیرانه وضعی و زیرساختی، باید با توزیع عادلانه منابع، این فاصله را کاهش داد.

اسلام برای فعال‌سازی ظرفیت‌های انسانی دو رویکرد موازی دارد: نخست، اگر زیرساخت‌های توزیع عادلانه فراهم باشد اما کاهلی شخص مانع معیشت گردد، اسلام با آموزه‌های تشویقی، افراد را به تلاش اقتصادی سوق می‌دهد. دوم، چنانچه فرد به‌دلیل موانع ساختاری (مانند نبود شغل) یا موانع شخصی (نظیر معلولیت‌های جسمی و روحی) قادر به تأمین نیازهای خانواده نباشد، سیستم حمایتی اسلام در دو قالب «حمایت‌های حکومتی» و «حمایت‌های مردمی» فعال می‌شود.

۴-۲- حمایت‌های حکومتی و تأثیر آن بر کاهش بزه‌دیدگی مالی

مطابق با آموزه‌های قرآنی از جمله آیه ۲۹ سوره مبارکه بقره، مواهب و منابع طبیعی زمین برای بهره‌مندی همگانی انسان‌ها آفریده شده است. دلالت آیه «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً» بر حق مساوی آحاد بشر از این جهت است که واژه «لَكُمْ» (برای شما) خطاب به عموم انسان‌هاست و تخصیص آن به گروهی خاص بدون دلیل، ترجیح بلامرئج و خلاف عدالت الهی است؛ لذا بهره‌مندی از مواهب اولیه طبیعت، حقی عمومی و مشترک است که تبلور شأن خلافت الهی انسان به شمار می‌رود. بنابراین، تمرکز ثروت در دست عده‌ای اقلیت و محرومیت اکثریت، با روح شریعت ناسازگار است (غفاری، ۱۳۸۶، ص. ۶۲). تعدیل ثروت و دستگیری از نیازمندان به‌منظور صیانت از کانون خانواده، از وظایف کلیدی حکومت اسلامی است؛ چنان‌که پیامبر اکرم (ص) در نخستین گام‌های تشکیل حکومت در مدینه، با تحریم رفتارهای انحصارگرایانه (مانند ربا، احتکار و تلقی رکان) و تنفیذ عقود مشارکتی (مانند مضاربه و قرض الحسنه)، بسترهای حقوقی توزیع عادلانه را پایه‌گذاری کردند (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۲). به‌طور مشخص، اسلام سه مرحله برای مدیریت توزیع ثروت در نظر گرفته است:

مرحله پیش از تولید (توزیع منابع اولیه): ثروت‌های طبیعی (انفال و مشترکات عمومی) تحت مالکیت حاکمیت اسلامی قرار دارند تا با سازوکار «کار مفید» و «اجازه ولی امر» به بخش خصوصی واگذار شوند و مانع از شکل‌گیری انحصارهای بزرگ گردند (میرمعزی، ۱۳۸۴، ص. ۵۹). مرحله پس از تولید (توزیع درآمد): درآمد حاصل از به کار افتادن منابع، بر اساس سهم هر یک از عوامل تولید تقسیم می‌شود. اسلام با تحریم بهره و ترویج عقود چون مضاربه، سهم عادلانه‌ای برای نیروی کار در نظر گرفته است تا خانواده کارگر دچار استثمار و ضعف مالی نشود (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۲). مرحله توزیع مجدد (توزیع بر اساس نیاز): در این مرحله، ملاک توزیع ثروت «نیاز افراد» است که به دلایل مختلف از چرخه کارآمد اقتصادی جا مانده‌اند (میرمعزی، ۱۳۹۱، ص. ۱۸۴).

حکومت اسلامی موظف است با اصلاح فرهنگی جامعه برای پیشگیری از ثروت‌اندوزی و تبیین احکام مالی، مانع از سقوط خانواده‌های ضعیف به زیر خط فقر شود (مستقیم، ۱۳۸۰، ص. ۸۷). همچنین اعمال طرح‌های فوری حمایتی نظیر پرداخت یارانه‌های هدفمند، بیمه‌های همگانی و بن‌های معیشتی توسط سازمان‌های رفاهی، چتر ایمنی مؤثری برای پیشگیری از استیصال معیشتی و کاهش بزه‌دیدگی مالی خانواده‌ها ایجاد می‌کند.

۳-۴- حمایت‌های مردمی

دستگیری از نیازمندان جهت کاهش نابرابری‌های اقتصادی، بر دو اصل «کفالت همگانی» و «سهیم بودن جامعه در درآمدهای عمومی» استوار است. بر مبنای اصل کفالت همگانی، تک‌تک آحاد جامعه مسئول صیانت از بقای هم‌نوعان خود هستند و حاکمیت مقتدر اسلامی می‌تواند افراد متمول را به انجام این تکلیف ملزم سازد (صدر، ۱۳۹۳، جلد ۲، ص. ۳۸۶).

اهمیت این همیاری مردمی تا حدی است که امام صادق (ع) در بیانی هشداردهنده می‌فرماید: «أَيُّمَا مُؤْمِنٍ مَنَعَ مُؤْمِنًا شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسْوَدًّا وَجْهَهُ، مُزَرَّقَةً عَيْنَاهُ، مَعْلُوكَةً يَدَاهُ إِلَى عُنُقِهِ، قِيلَ: هَذَا الْخَائِنُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، جلد ۱۶، ص. ۳۸۹).

بر این اساس، خودداری از یاری رساندن به مؤمن نیازمند در حکم خیانت به خدا و رسول (ص) است. اسلام برای ساختارمند کردن این حمایت‌های مردمی، تکالیف مالی را به دو بخش منابع ثابت (مانند خمس و زکات) و غیرثابت (مانند انفاق و صدقات) تقسیم کرده است (میرمعزی، ۱۳۹۳، ص. ۳۶۸).

۴-۳-۱- پرداخت زکات

فریضه زکات ابزاری بنیادین برای تعدیل ثروت است. در خصوص حکمت وضع زکات و رابطه مستقیم آن با فقر، امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّمَا وَضِعَتِ الزَّكَاةُ تَجْرِبَةً لِلْأَغْنِيَاءِ وَمَعُونَةً لِلْفُقَرَاءِ، وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَوْا زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا بَقِيَ مُسْلِمٌ فَقِيرًا مُحْتَاجًا، وَلَا سَتَعْنَى بِمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ، وَإِنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا وَلَا احْتَاجُوا وَلَا جَاعُوا وَلَا عَرُوا إِلَّا بِذُنُوبِ الْأَغْنِيَاءِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، جلد ۲، ص. ۷؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، جلد ۹، ص. ۱۲). این بیان صریح نشان می‌دهد که منشأ گر سنگی و محرومیت خانواده‌های فقیر، استنکاف ثروتمندان از تأدیه حقوق مالی است. آیه ۶۰ سوره توبه نیز با قرار دادن «فقر» و «مساکین» در صدر مصارف زکات، بر ضرورت اولویت‌بخشی به رفع فقر به‌عنوان هسته اصلی برنامه‌های اقتصادی حکومت تأکید دارد (قرائتی، ۱۳۸۳، جلد ۳، ص. ۴۴۹).

۴-۳-۲- خمس

خمس به‌عنوان مالیات بر درآمد مازاد سالانه (معادل ۲۰ درصد)، ابزار مالی مهمی در اختیار حاکمیت اسلامی است. برخلاف زکات، پرداخت خمس دارای انضباط حکومتی متمایزی است؛ به این معنا که مؤمنان نمی‌توانند آن را به تشخیص خود به مستمندان بپردازند، بلکه مدیریت و توزیع آن لزوماً باید تحت نظارت مستقیم حاکم اسلامی یا با اذن مجتهد جامع‌الشرايط صورت گیرد تا در مسیر مصالح عمومی و فقرزدایی ساختاری هزینه شود (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳، ص. ۲۳۸).

مدیریت کارآمد این نهاد مالی به همراه اخذ نظام‌مند آن، زمینه‌ساز افزایش رفاه عمومی، کاهش شکاف طبقاتی و نهایتاً پیشگیری از بستر آسیب‌زای بزه‌دیدگی مالی خانواده‌ها می‌شود؛ مدلی شبیه به ساختارهای مالیاتی پیشرفته دنیا که با اخذ مالیات از طبقات پردرآمد و تخصیص آن به دهک‌های پایین، توازن اجتماعی ایجاد می‌کند (بهارلو، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۲).

۴-۴- نهاده‌سازی فرهنگ بخشش به نیازمندان

علاوه بر الزامات مالی ساختاری، شریعت با ترویج مفاهیم اخلاقی چون انفاق، به دنبال پیوند عاطفی میان طبقات اجتماعی است. آیه ۲۶۱ سوره بقره، انفاق در راه خدا را به دانه‌ای پربرکت تشبیه کرده که صدها دانه از آن می‌روید؛ در پاداش عظیم انفاق و گشایش امور مادی و معنوی، شیخ صدوق در کتاب معتبر خود از امام صادق (ع) روایت می‌کند که پاداش انفاق در راه خدا تا هفتصد برابر و بیشتر فرونی می‌یابد (ابن بابویه، ۱۴۱۵ق، جلد ۳، ص. ۱۶۸).

نهاده‌سازی فرهنگ بخشش، دیدگاه بدبینانه و حس خشم ناشی از محرومیت نسبی در طبقات پایین را تسکین می‌دهد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، جلد ۹، ص. ۲۸۹). بزه‌کارانی که از فقر رنج می‌برند، گاهی با حمله به اموال ثروتمندان، به دنبال تخلیه عقده‌های روانی خود هستند؛ لذا انفاق با ایجاد نگرش مثبت، حریمی امن برای اموال انفاق‌کنندگان ایجاد کرده و مانع بزه‌دیدگی مالی آنان می‌شود (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۸، ص. ۴۴).

آیه ۱۹۵ سوره بقره «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» نیز مؤید همین حقیقت است؛ چرا که ترک انفاق اجتماعی و انباشت ثروت، منجر به شورش‌های ناشی از فقر و نابودی ساختار کلی جامعه — از جمله خود ثروتمندان — خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، جلد ۲، ص. ۳۸). امام علی (ع) نیز در بیانی نغز بر این پدافند غیرعامل تأکید کرده و می‌فرماید: «اموال خویش را با دادن زکات حفظ کنید» (نهج‌البلاغه، بی‌تا، حکمت ۱۴۶).

۴-۴-۱- شیوه‌های گسترش بخشش در جامعه

برای تبدیل کردن بخشش به یک فرهنگ عمومی و کاربردی، نیازمند اتخاذ تدابیر تربیتی و ترویجی هستیم:

۴-۴-۱-۱- توجه به آثار انفاق

تبیین دقیق آثار مادی و معنوی انفاق به جامعه هدف، نقش مؤثری در ایجاد انگیزه دارد؛ چنان‌که پیامبر اکرم (ص) در بیانی جامع می‌فرماید: «داشته‌هایتان را با زکات بیمه کنید... به درستی هیچ مالی در خشکی و دریا از بین نرفت مگر با خودداری از پرداخت زکات» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص. ۳۳۵).

همچنین در کلام معصوم، فرد بخشنده به‌عنوان محبوب‌ترین شخص نزد خدا معرفی شده است (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص. ۳۷۶). افزون بر این، در منابع روایی معتبر تصریح شده است که بخشش به نیازمندان و رفع گرفتاری مؤمنان، مایه استجاب دعا و دفع بلاهای ناگهانی از کانون خانواده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، جلد ۴، ص. ۳). ترویج هنرمندانه این معارف، انگیزه درونی آحاد جامعه را برای انفاق بیدار می‌سازد.

۴-۴-۱-۲- دقت در آثار سوء عدم بخشش

همان‌طور که تبیین آثار مثبت کارساز است، هشدار نسبت به پیامدهای منفی ترک بخشش نیز نقش بازدارنده دارد؛ نظیر اینکه بخل‌ورزی موجب حسرت عمیق در هنگام مرگ (قرآن کریم، بی‌تا، سوره منافقون، آیه ۱۰) و ستم به خویش‌نشدن است (قرآن کریم، بی‌تا، سوره بقره، آیه ۲۷۰).

علاوه بر این، در منابع روایی هشدار داده شده است که امتناع از پرداخت حقوق مالی، سبب اتلاف دوبرابری آن دارایی در امور باطل و نامشروع می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، جلد ۷، ص. ۵۰۶). پیامبر اکرم (ص) نیز در این باره می‌فرماید: «کسی که مال خود را در راه خوبان با اختیار خود هزینه نکند، خداوند مال او را در راه بدان با اجبار صرف

خواهد کرد» (نوری، ۱۴۰۸ق، جلد ۱۲، ص. ۴۳۵). توجه به این پیامدها، افراد متمول را به حمایت مالی از طبقات ضعیف مجاب ساخته و زمینه‌های جرم‌زای ناشی از نابرابری را از بین می‌برد.

۴-۵- تلاش‌های اقتصادی مشروع

کار زیربنایی دیگر برای مصون‌سازی خانواده از بزه‌دیدگی، ترویج کارآفرینی و اشتغال پایدار مشروع است. در ارزش کار و نفی تنبلی، پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ تلاش‌کننده برای رفاه معیشتی خانواده، همپای جهادگر راه خداست (ابن‌بابویه، ۱۴۱۵ق، جلد ۳، ص. ۱۶۸).

آیات قرآن کریم نیز مکرراً به کسب روزی حلال سفارش کرده‌اند؛ برای نمونه آیه ۷۳ سوره قصص و همچنین آیه ۱۰ سوره جمعه که دستور می‌دهد پس از برپایی نماز جمعه، در زمین پراکنده شده و در جستجوی فضل و روزی الهی برآیید (طباطبایی، ۱۳۷۴، جلد ۱۹، ص. ۴۶۲). سیره عملی پیامبر (ص) نیز که پس از نماز به بازار سر می‌زدند، گواه ارزش‌گذاری اسلام بر پویایی مادی جامعه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، جلد ۲۴، ص. ۱۲۸). در مقابل، بر اساس روایات معتبر، دعای افرادی که با وجود توانایی کار، در خانه نشسته و صرفاً طلب روزی می‌کنند، هرگز مستجاب نخواهد شد (طبرسی، ۱۳۶۰، جلد ۲۵، ص. ۲۷).

در جبهه مقابل، اسلام با شدت تمام رفتارهای اقتصادی نامشروع را تحریم کرده است، نظیر حرمت «اکل مال به باطل» (قرآن کریم، بی‌تا، سوره بقره، آیه ۱۸۸) که هرگونه تصرف مالی از طریق سرقت، خیانت و غصب را باطل می‌کند (طوسی، بی‌تا، جلد ۲، ص. ۱۳۸) یا مصرف بیهوده ثروت به صورت اسراف (عاملی، ۱۳۶۰، جلد ۱، ص. ۳۱۲). تحریم شدید ربا نیز که با دامن زدن به فاصله طبقاتی، ارکان خانواده‌های بدهکار را متلاشی می‌سازد، در همین راستا تفهیم می‌شود (رضایی صفهانی، ۱۳۸۷، جلد ۳، ص. ۲۵۶). همچنین حرمت تصرف در اموال یتیمان (قرآن کریم، بی‌تا، سوره نساء، آیه ۱۰) و حد سرقت (قرآن کریم، بی‌تا، سوره مائده، آیه ۳۸)، مرزهای مستحکمی برای صیانت از حریم دارایی‌های خانواده‌ها ترسیم کرده‌اند.

۴-۶- پیشگیری از احتکار به عنوان مخل امنیت معیشتی

احتکار عبارت است از پنهان کردن و نگهداری کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم مازاد بر نیاز شخصی، به قصد گران‌فروشی و سودجویی شخصی (شامبیاتی، ۱۳۷۶، ص. ۱۵). تأکید فراوان منابع اسلامی بر حرمت احتکار از آن روست که این پدیده امنیت معیشتی جامعه را — که سنگ‌بنای تربیت فردی و انسجام خانواده است — به شدت تهدید می‌کند (ولی‌پور، ۱۳۶۸، ص. ۱۱۶).

به همین منظور، رفتارهایی چون «تَلَقَّى رَكْبَان» (خرید کالای کاروان‌ها پیش از ورود به بازار به قیمت ارزان و فروش چندبرابری آن) به عنوان بستر احتکار، نهی شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، جلد ۵، ص. ۱۶۸؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص. ۶۱۶). منع احتکار به دو طریق از کانون خانواده در برابر بزه‌دیدگی مالی محافظت می‌کند:

الف) احتکار به عنوان عامل مستقیم بزه‌دیدگی مالی: محتکر با گروگان گرفتن مایحتاج مردم، به‌طور ساختاری به جیب خانواده‌ها دستبرد می‌زند؛ چنان‌که در روایتی نبوی آمده است که مجازات چهل روز احتکار ارزاق مردم،

سنگین‌تر از بزه سرقت است (ابن‌ماجه، بی‌تا، جلد ۲، ص. ۷۲۸). عرضه به موقع کالا، از سقوط خانواده‌های طبقه ضعیف به تله فقر جلوگیری می‌کند.

ب) احتکار به عنوان عامل غیرمستقیم افزایش جرایم مالی: نایاب شدن کالاها و گرانی ناشی از احتکار، سرپرستان مستأصل را برای بقای اعضای خانواده به سمت رفتارهای بزهکارانه از جمله سرقت سوق می‌دهد. از طرفی، انحصار ثروت نزد محتکران شکاف طبقاتی عظیمی ایجاد می‌کند که آثار ویرانگر آن در درازمدت به صورت بزه‌دیدگی‌های مالی و اخلاقی نمایان می‌شود؛ بنابراین مبارزه حاکمیت با احتکار، اقدامی پیشگیرانه و کلیدی برای صیانت از سلامت اقتصادی خانواده‌هاست.

۵- نتیجه‌گیری

تحلیل ریشه‌های ساختاری بزه‌دیدگی مالی نشان می‌دهد که چالش‌های معیشتی خانواده‌ها پیش از آنکه محصول رفتارهای فردی باشد، برخاسته از بسترهای جامعه‌شناختی و کلان اقتصادی است. در این میان، الگوی اقتصادی نولیبرالیسم به عنوان شاخصه اصلی نظام سرمایه‌داری مدرن، به ویژه پس از بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ میلادی، ناکارآمدی خود را در صیانت از طبقات کم‌برخوردار عیان ساخته است. این الگوی اقتصادی با دامن زدن به فقر ساختاری، تقلیل بازوهای حمایتی و فقرزدا، جایگزینی شتابزده فناوری‌های نوین به جای نیروی کار انسانی و به حاشیه راندن سرپرستان خانواده، منبع درآمد پایدار نهاد خانواده را با مخاطره جدی مواجه کرده است. افزون بر این، رشد سرسام‌آور سرمایه‌داری مبتنی بر فعالیت‌های بی‌ثبات مالی (فاینانس)، عمق شکاف طبقاتی را افزایش داده و آسیب‌پذیری اقتصادی خانواده‌ها را به اوج رسانده است.

در کنار این موانع ساختاری، فقدان قانون‌گذاری جامع یا ضعف در فرایندهای تقنینی موجود، به خلأ جدی در اتخاذ «سیاست جنایی افتراقی» کارآمد در قبال گروه‌های خاص و آسیب‌پذیر جامعه — نظیر سالمندان و سرپرستان معیل فاقد شغل مستمر — منجر شده است. عوامل اجتماعی نامساعدی همچون نبود فرصت‌های شغلی برابر و درآمد ناکافی، عملاً آستانه مقاومت مالی خانواده‌ها را در برابر شگردهای مجرمانه مادی کاهش می‌دهد.

بنابراین، برون‌رفت از این چرخه آسیب‌زا و تقلیل نرخ بزه‌دیدگی مالی، مستلزم بازنگری در الگوهای کلان توزیع ثروت و بازتعریف سهم عادلانه عوامل تولید در اقتصاد ملی است. این هدف اساسی از یک سو با ایفای نقش مداخله‌گر و حمایتی مستقیم دولت (مانند تدارک بسته‌های رفاهی و بیمه‌های همگانی) و از سوی دیگر با فعال‌سازی ظرفیت‌های همبستگی مردمی در قالب ساماندهی و هدفمندسازی تکالیف مالی شرعی (نظیر خمس، زکات، صدقات و کفارات) محقق می‌شود. در نهایت، نهادینه‌سازی نظام‌مند فرهنگ بخشش و دستگیری از خانواده‌های محروم، حریمی امن و پدافندی غیرعامل در برابر جرایم مالی ایجاد خواهد کرد.

۶- پیشنهادات

تدوین منشور «سیاست جنایی افتراقی حمایتی»

قوه مقننه با همکاری وزارت رفاه و نهادهای حمایتی، قوانین ویژه برای حمایت پیشگیرانه از بزه‌دیدگان بالقوه، به‌ویژه سالمندان، زنان سرپرست خانوار و کودکان کار، تصویب می‌کند. این منشور با تشدید جرم‌انگاری و ضمانت اجرای سوءاستفاده‌های مالی از این گروه‌های آسیب‌پذیر، حمایت از بزه‌دیدگی را می‌سازد.

صندوق‌های همیاری و نهادهای صلح‌محور محلی

با استفاده از مساجد و سازمان‌های مردم‌نهاد، صندوق‌های قرض‌الحسنه و تکافل محله‌محور تقویت می‌شوند تا با حمایت مالی از خانواده‌های جرایم آسیب‌پذیر، از طریق میانجی‌گری و جبران خسارت‌های آسیب‌دیده توسط بزهکار، زمینه آسیب‌پذیری ترمیمی و آسیب‌های اقتصادی را جبران کنند.

توسعه آموزش همگانی سبک زندگی اقتصادی اسلام

وزارت آموزش و پرورش و سازمان صدا و سیما با تولید محتوای آموزشی، مفاهیمی مانند حرمت ربا، احتکار و اکل مال به باطل و همچنین ارزش کار، انفاق و سواد مالی را آموزش می‌دهند تا با رشد اقتصادی خانواده‌ها، از بزهکاری و بزه‌دیدگی مالی می‌شود.

منابع

قرآن کریم. (بی‌تا).

ابراهیمی، مهرزاد، و چاکرزه‌ی، عبدالوهاب. (۱۳۹۴). ارتباط میان نرخ جرم و جنایت با تورم و بیکاری در ایران.

پژوهش‌های راهبردی/امنیت و نظم/اجتماعی، ۴(۲)، ۱۱۳-۱۲۷. https://ssoss.ui.ac.ir/article_۱۷۱۲۹/html

ابن‌بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن الحسین. (۱۳۶۲). *الامالی*. انتشارات کتابخانه اسلامی.

ابن‌بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن الحسین. (۱۴۱۵ق). *المقنع*. مؤسسه امام مهدی (عج).

ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۶۰). *تحف العقول عن آل الرسول* (احمد جنتی، مترجم). علمی و اسلامی.

اژه‌ای، جواد. (۱۳۹۳). *آسیب‌شناسی اجتماعی (با نگاه به ادیان)*. سمت.

امامی، سید حسن. (۱۳۷۷). *حقوق مدنی* (جلد ۱). انتشارات کتاب‌فروشی اسلامی.

انوری، حسن. (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن* (جلدهای ۱ و ۴). انتشارات سخن.

برجس، آن ولبرت، رگر، چریل، و رابرتسن، آلبرت آر. (۱۳۹۵). *بزه‌دیدہ‌شناسی: نظریه‌ها و کاربردها* (حمیدرضا ملک‌محمدی، مترجم). میزان.

بهارلو، ریحانه. (۱۳۹۲). *پیشگیری از بزه‌دیدگی از منظر آیات قرآن* [پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده، دانشگاه قم].

بیات، شیرین. (۱۳۹۱). *پیشگیری از بزه‌دیدگی خانگی در قوانین و مقررات خانواده* [پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده، دانشگاه پیام‌نور تهران].

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. (۱۳۹۳). *مبانی اقتصاد اسلامی (تلخیص و تکمیل)* (چاپ ۲). سمت.

- توانیان، حسین. (۱۳۸۵). فرهنگ تشریحی اقتصاد. شرکت الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان‌رایانه.
- جهانیان، ناصر. (۱۳۸۲). چالش فقر و غنا در کشورهای سرمایه‌داری. مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- حاجی‌ده‌آبادی، احمد. (۱۳۸۸). جبران خسارت بزه‌دیده (به هزینه دولت و نهادهای عمومی). پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه (جلد ۱۷). مؤسسه آل‌البیت (ع).
- حسن‌زاده، علی. (۱۳۷۹). بررسی عوامل مؤثر بر فقر (مطالعه موردی ایران). پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۳(۴-۵).
- حسینی همدانی، محمدحسین. (۱۴۰۴ق). انوار درخشان در تفسیر قرآن (جلدهای ۹ و ۱۶). کتاب‌فروشی لطفی.
- حمیدیان، اکرم. (۱۳۹۶). نابرابری، فقر، طرد اجتماعی. جامعه‌شناسان.
- دانش، تاج‌زمان. (۱۳۸۴). مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟ (چاپ ۱۰). انتشارات کیهان.
- داودی، هما. (۱۳۹۶). قوانین جرم‌زا و قوانین آسیب‌زا. <http://parslawyersgroup.ir>
- دباغی، علی‌رضا. (۱۳۹۴). نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم [پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران].
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۵۲). لغت‌نامه دهخدا (جلد ۱۱). انتشارات دانشگاه تهران.
- رابرتسون، ایان. (۱۳۹۱). درآمدی بر جامعه (با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی) (حسین بهروان، مترجم). انتشارات آستان قدس رضوی.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۷). تفسیر مهر (جلد ۳). انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی.
- ریاحی، جواد، شریفی، اسماعیل، و روحانی، آذین. (۱۳۹۸). پیشگیری از بزه‌دیدگی کارمندان دادگستری در ایران: مورد پژوهشی شهر بروجرد. پژوهش‌های حقوقی، ۱۸(۳۹)، ۲۷۱-۳۰۱.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۶۸). فروغ ولایت. انتشارات صحیفه.
- سبحانی، روح‌الله. (۱۳۹۳). پیشگیری از جرم در نهج‌البلاغه [پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده، دانشگاه پیام‌نور].
- سمیعی، محمد. (۱۳۹۱). ریشه‌ها و پیامدهای لجام‌گسیختگی ایدئولوژی سرمایه‌داری. مطالعات جهان، ۲(۱)، ۳۳-۵۸.
- سهراب‌زاده، مهران. (۱۳۸۹). فرهنگ‌نامه آسیب‌های اجتماعی. جامعه‌شناسان.
- شامبیانی، هوشنگ. (۱۳۷۶). احتکار. دادرسی، ۱(۵-۶).
- شعیری، تاج‌الدین محمد بن محمد حیدر. (۱۳۶۳). جامع الاخبار. انتشارات رضی.
- شیرخانی، محمدعلی، و پیروز، بیژن. (۱۳۹۱). جنبش تصرف وال‌استریت؛ از عمق ریشه‌های اقتصادی تا شدت شکنندگی سیاسی. مطالعات جهان، ۲(۱)، ۵۹-۹۲.
- صادقی فسایی، سهیلا، و میرحسینی، زهرا. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر بزه‌دیدگی زنان شهر تهران. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۹(۱)، ۳۵-۶۲.
- صدر، سید محمدباقر. (۱۳۹۳). اقتصاد ما (سید ابوالقاسم حسینی، مترجم؛ جلد ۲). انتشارات دارالصدر.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۰). ترجمه مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن (جلد ۲۵). انتشارات فراهانی.

- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن* (جلد ۲). دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، ابراهیم. (۱۳۶۰). *تفسیر عاملی* (جلد ۱). انتشارات صدوق.
- علامه، ضیاء الدین. (۱۴۰۶ق). *الوافی* (جلد ۲۶، تعلیقه). مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی (ع).
- غفاری، هادی. (۱۳۸۶). *نظام اقتصادی صدر اسلام*. دانشگاه پیام نور.
- فراهانی فرد، سعید. (۱۳۸۱). *سیاست های اقتصادی در اسلام*. مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- فطرس، محمد حسن، دلائلی میلان، علی، و قربان سرشت، مرتضی. (۱۳۹۱). اثرات فقر، بیکاری و شهرنشینی بر جرایم علیه اموال در استان های ایران. *رفاه اجتماعی*، ۱۲ (۴۶)، ۲۷۹-۳۱۷. <https://refahj.uswr.ac.ir/article-۱-۹۷۷-fa.html>
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). *تفسیر نور* (چاپ ۱۱، جلد ۳). مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- کسن، موریس. (۱۳۸۵). *اصول جرم شناسی* (میر روح الله صدیق، مترجم). دادگستر.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی* (چاپ ۳، جلد ۸). دارالکتب الاسلامیه.
- کی نیا، مهدی. (۱۳۷۳). *جرم شناسی* (جلد ۱). انتشارات دانشگاه تهران.
- لستر، تارو. (۱۳۹۷). *آینده سرمایه داری* (عزیز کیاوند، مترجم). دیدار.
- لطفیان، سعیده. (۱۳۸۳). *جنبش وال استریت و آینده نظام سرمایه داری آمریکا*. میزان.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار* (جلد ۶۹). مؤسسه دار احیاء التراث العربی.
- محمدزاده، پرویز، فلاحتی، فیروز، و حکمتی، صمد. (۱۳۸۹). بررسی فقر و عوامل تعیین کننده آن در بین خانوارهای شهری کشور. *تحقیقات مدل سازی اقتصادی*، (۲).
- مستقیمی، مهدیه سادات. (۱۳۸۰). *تعدیل ثروت در جامعه اسلامی*. مطالعات راهبردی زنان، (۱۴).
- مسرت، محسن. (۱۳۹۶). *نظام سرمایه داری فاینانس عامل نهادینه شدن بیکاری و رکود اقتصادی است*. خبرگزاری ایرنا. <http://www.irna.ir/news>
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (۱۴۱۳ق). *المقنعه*. کنگره جهانی شیخ مفید.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (بی تا). *الاختصاص*. مؤسسه النشر الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۸). *تفسیر نمونه* (چاپ ۲۱، جلد ۱۵). دارالکتب الاسلامیه.
- ملک محمدی، سمیرا. (۱۳۹۱). *تأثیر فقر و رفاه زدگی بر بزه کاری* [پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران].
- میرخلیلی، سید محمد. (۱۳۸۸). *پیشگیری وضعی از بزه کاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام*. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- میرمعزی، سید حسین. (۱۳۸۴). *اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی*. سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- میرمعزی، سید حسین. (۱۳۹۱). *نظام اقتصادی اسلام* (چاپ ۲). سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نهیج البلاغه (سید رضی، گردآورنده). (بی تا).
- ورادی، سارا. (۱۳۹۶). *جایگزین شدن انسان ها و ربات ها در فرایند ماشینی شدن*. مجله فناوری. <http://www.exos.ir>

ولی‌پور، محمدطاهر. (۱۳۶۸). احتکار و مقابله با آن از دیدگاه روایات. سفیر، ۱ (۲).